



## عصر جدید و جغرافیای جدید

جهان ما وارد عصر جدیدی شده است که مشخصات آن را دوره فرافوردیسم، فرامدرنیسم، دگرگونی در احزاب سوسیالیستی جهان، انباشت امکانات پذیر سرمایه‌های جهانی، رشد صنعتی باورنگردنی، توسعه اجتماعی - اقتصادی کشورهای توسعه یافته صنعتی و فشار روزافزون بر کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهد. این شرایط حاکم بر جهان که در سراسر تاریخ بشر بی‌سابقه بوده است جغرافیای جدیدی می‌طلبد. زیرا جامعه بشری وارد عصر جدیدی از تاریخ خود شده است. سالی که گذشت سال اندیشیدن به جغرافیای جدید در عصر جدید بود. در این زمینه مقالات و کتابهای بسیاری با عناوینی مثل بازساخت علم جغرافیا، لزوم ساختارهای جدید در جغرافیا، ایجاد جدید در علم جغرافیا منتشر گردید که وجه مشترک همه این نوشته‌ها و تفکرات، انطباق جغرافیای جدید با ساختارهای جدید در ارتباط با شرایط عصر جدید بود. در این زمینه با توجه به ویژگیهای زمان ما، مشخصات جغرافیای جدید به این شرح مورد تأکید قرار گرفته است:

۱- بررسی و تحلیل تأثیرات شبکه اقتصاد جهانی در شرایط توسعه ملی و نواحی داخلی کشورهای در حال توسعه.

۲- تعیین روشهای بازساخت اجتماعی - اقتصادی از دیدگاه جغرافیایی.

۳- پیگار بر علیه فقر، بیماری، بیگاری، بی‌مسکنی، نژادپرستی و آلودگیهای محیطی.

۴- پیگار بر علیه سیاستها و تصمیم‌گیریهای غیر مردمی در ارتباط با فضاهای جغرافیایی.

۵- تأکید بر اقتصاد سیاسی در مطالعات جغرافیایی.

با در نظر گرفتن موارد فوق، چنین به نظر می‌رسد که هر فضای جغرافیایی، نمادی از عملکردهای فرهنگی، ایدئولوژیکی و سیستمهای اقتصادی است. از این رو، لازم است که در جغرافیای جدید در عصر جدید، هر منطق جغرافیایی، ابتدا به تحلیل سیاستها و تصمیم‌گیریها در ارتباط با ساختارهای جغرافیایی بپردازد. زیرا ساختارهای جغرافیایی، همواره بازتابی از این تصمیم‌گیریها و سیستمهای اجتماعی - اقتصادی شناخته می‌شود. مثل اینکه در عصر جدید، جغرافیای جدید، در جهت سازندگی و محوریت زدانی به افقهای تازه‌ای دست می‌یابد. در راستای این تحول، لازم است که هر جغرافیدان ایرانی خدمتگزار حقیقت باشد و به مفهوم زندگی و مظاهر انسانی بیشتر بماند.

حسین شکرلی